

کالبد شگافی یک صلح بدون عدالت !

دشمن کیست !



پیوسته به گذشته بخش یکصدو دهم :

می گویند : شخصی شیطان را خواب دید که تعدادی ریسمان در دست دارد. آن شخص پرسید؛ میتوانم ببرسم که این ریسمان برای چیست؟ شیطان جواب داد؛ اینها را به گردن آدم ها می اندازم و آنها را به دنبال خود می کشانم. آن مرد پرسید؛ ریسمان من کدام است؟ و شیطان خندید و گفت؛ تو که نیازی به ریسمان نداری؟ خودت با جیره ای ناچیزی دنبال می دوی ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=H-Wry4oWijl>

نگاشتن یادداشت هفته گی ام بودم که ناگهان خبر اعدام شش تن از زندانیان محکوم به اعدام در محبس پلچرخ را شنیدم مو های بدنم راست شد و آنتن های ذهنم تکان خورد زیرا به دلیل چندسالی که در دوران حاکمیت داروغه های چپ موسوم به خلق و پرچم آن دوران که بر سرنوشت مردم فقیر افغانستان حکمرانی میکردند خاطرات غم انگیزی از آن دوره سیاه تاریخ در ذهن ام به حرکت آمد .



در خبر آمده است که در جمع این اعدام شده گان دوتن از کسانی که به اتهام دست داشتن در قتل استاد برهان الدین ربانی یکی از رهبران ارشد جهاد و رئیس شورای صلح افغانستان و عبدالله لغمانی معاون پیشین ریاست امنیت ملی که در سال ۱۳۸۸ در یک مسافرت رسمی وبه قول قیام الدین کشف رئیس شورای علمای افغانستان غرض افتتاح مسجد به ولایت لغمان رفته بود از سوی دشمنان اسلام به عنوان ستون فقرات نظام افغانستان و دولت این کشور و این ملت به شهادت رسید

<https://www.youtube.com/watch?v=Wi4ReoRBYk>

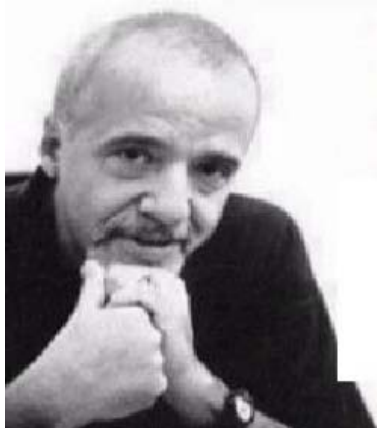
خلاصه اینکه این همه شش تن از اعدام شده گان کسانی بودند که اکثریتی از آنها روزگاری در رکاب کانگسترهای مذهبی و فتوای دهنده گان قصه خوانی پیشاوربر ضد کفر برای احیای جامعه عادلانه و توحیدی شمشیر میزدند. خود را عین حق و احیاً کننده عدالت اجتماعی در جامعه و حتی عموم امت اسلامی می پنداشتند. در روزگاری که هنوز قباله های بهشت در بدل انتحار و انفجار و خون نوجوانان نابالغ تبادل نه میگردید همه از خود می پرسیدند و می پرسیدیم چگونه است که این همه جنازه هاباید از سرزمین افغانستان بیرون رود و کسانی با اطلاعات کم و ناقص فقهی و مذهبی خون و ناموس مخالفان خود را حلال و آنها را در صف یهود و نصاری قرار داد؟ هر چند کلیپی از یک ملای جاهل با اطلاعات اندک و غلطی که از دین مبین اسلام دارد قبلاً نیز خدمت شما عزیزان ارائه نموده ام اما از اینکه در جامعه فقیر ما هر جنایتی را که انجام میدهند آن را با دین اسلام پینه میزنند این کلیپ ویدیویی ملای که مشغول شغل شریف دشمنی با اسلام و انسان است بار دیگر خدمت شما تقدیم میدارم.

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

می بینید عزیزان! که چگونه با مسخ ماهوی آیه های از قرآن پاک دین اسلام را به مسخره میکشند؟ توگویی که لشکریان و جنگجویانی که در رکاب خدای خویش در مقابل خداوند مشریکان و دیگر اندیشان شمشیر میزنند و با این آسانی خون یهود و نصاری را حلال و مال و ناموس شان را صد در صد حلال نه تنها غنیمت می شمارند بل هر آنکه در راه چنین جنگ شبه مقدس بیشترین غنیمت ها را نصیب شود در بهشت نیز با اعطای هفتاد حور و توظیف دائمی غلمان یا همان برده گان دوران زندگی مورد نوازش قرار میگیرند!!

دشمن کیست !

افغانستان سرزمینی است که با همه عظمت های خیره کننده و ویژه گیهای اعجاب انگیزش متأسفانه در حوزه جامعه شناسی و ترمولوژی سیاسی دارای یک نقص عمده ای بوده است و این عیب بزرگ سبب بیشترین قربانی های این سرزمین شده است. چنانچه این ضعف و فقدان تعریف دقیق و مشروع از واژه "دشمن" در نزد تمامی مبارزان راه آزادی و استقلال این سرزمین بوده است



سعی کن آنقدر کامل باشی که بزرگترین
تنبیه تو برای دیگران گرفتن خودت از آنها باشد.
پانلو کو نیلو

جالب آنجا است که این ضعف و فقدان تعریف دقیق از واقعیتی بنام دشمن پس از پیروزی و رسیدن به قدرت عموم نیروهای که قبلاً برای آزادی و عدالت شعار می دادند مشهود بوده است. البته با صراحت و اطمینان میتوان گفت که نه تنها فقدان تعریف دقیق از دشمن بصورت سر بسته و دست ناخورده به دوران جدید منتقل شده بلکه با پشت کردن به شعارهای از قبیل عدالت، صلح و ترقی که در دوران قبل از اقتدار سر می دادند از اینکه اصولاً برای تحقق مؤلفه های چون عدالت، صلح و پیشرفت دارای هیچگونه برنامه مشروع و نقشه راه مطلوب نبوده اند برای حفظ و نگهداری قدرت روبه کشتار مخالفان بنام دشمنان امنیت و رفاه مردم می آورند. چنانچه می بینیم دولت کنونی موسوم به وحدت ملی در افغانستان که ملزم به مسأله صلح بحیث یک نیاز ملی در اجندای خود دارد و همچنان مخالفان مسلح و غیر مسلح آن اعم از طالبان و دیگر مخالفان سیاسی هردو طیف برای مدیریت جامعه و رسیدن به صلح عادلانه دارای هیچگونه برنامه و راه حل های نیستند. بناً در مسیر امتداد حفظ و نگهداری قدرت مافیائی به شیوه های متوصل میشوند که روزگاری برای از میان بردن آن مبارزه و تلاش مینمودند، طبیعی است که قدرت حاکم آن زمانرا به کشتارهای از بی گناهان و بیچاره گان تداوم می بخشیدند. چنانچه حین حاکمیت حزب موسوم به دموکراتیک خلق افغانستان که نه برای رفاه خلق دارای نسخه و برنامه ای بود و نه هم فرآیند دموکراسی و آزادی را به وجدان فردی و جمعی صفوف ورهبران شان مبدل شده بود لهدذا مردم فقیر افغان که با هر قوم و نژاد و مذهبی متعلق بودند و باورداشتند برای سقوط حاکمیت حزب دموکراتیک خلق به صحنه آمدند و برای تحقق این شعار که دیگر نباید سلسله کشتارهای جمعی و قانونمد دولتی ادامه یابند همچنان پس از گذشت چندین سال با یک نقشه کاپی شده ای شبه مذهبی همراه با اکثریتی از مجاهدان سابق در کسوت جمهوری اسلامی افغانستان در جامعه فقیر افغانستان ظهور یافتند. اما با دردد و دریغ که هردو طیف مذهبی و سکولار شبه مذهبی که بالنوبه پس از زوال رژیم حزب دموکراتیک خلق و سقوط حکومت طالبان و القاعده به قدرت آمدند فقدان راه عادلانه و نسخه علمی برای نجات انسان ساکن در قلمرو جغرافیای برای حفظ قدرت سیاسی به همان شیوه های متوصل شدند که جهت از میان بردن رقیب اش آنرا به مثابه خطاکاران مورد سرزنش قرار میدادند.



اعلامیه مطبوعاتی

۱۹ ثور ۱۳۹۵

محمد اشرف غنی رئیس جمهور اسلامی افغانستان در مطابقت با احکام قانون اساسی، قوانین جزا و دستاویز دین مبین اسلام و سایر الزاماتهای دولت جمهوری اسلامی افغانستان، با در نظر داشت تقاضای مکرر خانواده های قربانیان حملات تروریستی، حکم اعدام شش تن از مرتکبین جرایم سنگین و جنایات علیه افراد ملکی و امنیت عامه را به عنوان عاملین شش قضیه جداگانه توشیح کرده است. توشیح این حکم بعد از بررسی دقیق، تکمیل شدن روند منصفانه و عادلانه بودن محاکم با در نظر داشت الزامات های حقوق بشری افغانستان صورت گرفته است. این حکم امروز توسط مراجع عدلی و قضایی در مطابقت با قوانین کشور اجرا شد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان و شخص رئیس جمهور با در نظر داشت تطبیق روند شفاف، دقیق و عادلانه عدلی و قضایی، متعهد به تأمین عدالت و به کیفر رساندن مجرمینی می باشد، که به اعمال تروریستی و جنایی دست زده و مردم بیگناه را به قتل رسانده، امنیت و مصئونیت عامه را به مخاطره قرار می دهند.

چنانچه می بینیم در راستای همان سلسله امروز نخستین گروه شش نفری پس از چندین سال شکنجه روحی که لحظه به لحظه چوبه های دار را در خواب و بیداری می نگرستند به چوبه دار رفتند .
من اکیداً مخالف صدور و اجرای هر نوع احکام اعدام هستم و برویت فلسفه توحیدی تاریخی
اجرای آنرا یک جنایت عریان میدانم و درعین حال باوردارم که به جای اجرای اعدام و محو فزیک
جنایتکاران باید ریشه های ظلم و جنایت را ریشه کن ساخت . و تنبیه جنایتکاران و مجرمان باید برای
بازگشت به جامعه به اساس احکام عادلانه محکمه ذیصلاح و مشروع تحقق یابد . کاملاً روشن است
هرآنکه در عصر حاضر دست به جنایت و آدم کشی زد باید تنبیه گردد و بدور از جامعه انسانی در
محل هاو مکانهای مناسب زیر نظر افراد باتجربه و مسلکی تحت پرورش قرار گیرند لهذا نباید این
حوزه ممنوعیت را به نام افراد گناهکار و بی گناه تقسیم بندی نمود که سؤاستفاده ی از آن از جانب
"سیا" ست مداریان این زمان دور از امکان نیست .

